

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از بایسته تا مشایبه



* بررسی انحراف در مهدویت در تاریخ

* عملکرد جریان انحرافی در موضوع مهدویت

* جریان انحرافی و فراماسونری

[Wwww.tangeohod.ir](http://www.tangeohod.ir)

نویسنده: خادم الشهداء علی نویسنده وبلاگ تنگه احد

مقدمه

آنچه که در این چندوقت فضای سیاسی کشور را مشوش کرده بحث در مورد جریان در حاشیه دولت موسوم به جریان انحرافیست جریانی که اخیراً مسیری را خارج از اصول در مباحث اعتقادی، سیاسی و اقتصادی در پیش گرفته؛ در این نوشتار سعی شده در مورد انحرافات جریان انحرافی در مباحث دینی به خصوص در باب مهدویت تاریخچه، ریشه و علل انحراف آن، رابطه جریان انحرافی با فرماسونری و آینده پیش رو مورد بحث قرار گیرد.

انتظار و مهدویت را می توان یکی از شاخص های اصلی مذهب تشیع نام برد. عاملی که به تعبیر فوکویاما بال سبز شیعه و امید او برای برپای حکومت عدل الهی در جهان است. استعمار جهانی نیز با اطلاع از این موضوع از هیچ تلاشی برای مقابله با این موضوع دریغ نکرده و از هر حربه ای استفاده نموده تا شیعیان را از مسیر اصلی انتظار که همانا حضور در رکاب یاران اصلی آن حضرت است بر حذر دارد دشمنان اسلام به وسیله ی فرق انحرافی هم چون شیخیه، بابیت، بهائیت و... سعی داشته با انتشار افکار انحرافی مسیر مهدویت را در شیعیان عوض کنند، اما با یاری خداوند متعال تا این زمان نقشه های شومش ناکام ماند. اما غرب و آمریکا هم چنان در صدد تزیق افکار انحرافی در باب مهدویت در بین جامعه بوده که متأسفانه در چند سال اخیر می توان از جریان موسوم به جریان انحراف به عنوان یکی از حربه های دشمن بدین منظور نام برد جریانی که مدعی باب دروغینی در رابطه با امام زمان است. از این گونه جریانات در تاریخ بسیار زیاد بوده اما نکته مهم در مورد جریان انحرافی جدید حضور آن ها بر مسند قدرت بوده. موضوعی که بسیاری از صاحب نظران آن را خطری بزرگ برای پیکره اصلی دستگاه اجرایی جمهوری اسلامی برمی شمردند.

علل انحرافات در موضوع مهدویت

۱- عدم درک صحیح در مورد ظهور

۲- انحراف در "باب امام زمان"

۳- عدم تبیین درست در مورد انتظار (انتظار منفی)

۴- رخنه ی عقاید استعمار درباره موعود در بین مسلمین

۵- مدعیان دروغین

۶- فاصله گرفتن از نهاد روحانیت

۷- قدرت طلبی و میل به مشهوریت

۸- غلو کردن در موضوع مهدویت

سیری در انحرافات

قبل از تولد مهدی (عج)

شاید بتوان سیر انحرافات در مسیر موعود را در شیعه قبل از تولد امام عصر (عج) و آغاز غیبت صغری را در عقاید کسائیه، واقفیه، اسماعلیه و... جستجو کرد آن جا که کسائیه قائل به امامت محمد بن حنیفه فرزند بزرگ حضرت امیرالمؤمنین بعد از حسینین بودند. بعد از وفات محمد بن حنیفه ادعا کردند محمد نمرده بلکه در شعب جبل رضوی پنهان گردیده، زمانی بیرون آید و جهان را پر از عدل و داد کند (۱) این عقیده کسائیه نمایانگر اعتقاد آن ها موعود بودن محمد بن حنیفه است. اسماعیلیه نیز بر این معتقدند که اسماعیل نمرده است و او قائم منتظر است و در جایی مخفی شده به زودی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود (۲)

به عقیده اسماعیلیان با پنهان گشتن محمد بن اسماعیل، دوره ستر آغاز شد و پس از ظهورش مهدی یا قائم خواهد بود. و تنها در حقایق برای تمام جهانیان آشکار می شود به طوری که دیگر نیازی به ظاهر شرایع نیست و سپس عالم جسمانی را به پایان می رساند امام ناطق (محمد بن اسماعیل) به داوری روز رستاخیز خواهد پرداخت و پایان زمان و عصر بشریت خواهد بود (۳)

و اما واقفیه بر آن اعتقاد بود که امام موسی کاظم همان موعود است و هنوز زنده است بعضی اصحاب امام هفتم علیه السلام بنا به دلایلی، از اعتراف به امامت علی بن موسی الرضاعلیه السلام و یا هر کس دیگری سرباز زده و در امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند. آنان اظهار می داشتند که موسی بن جعفر علیه السلام آخرین امام است و کسی را به امامت تعیین نکرده و یا دست کم ما از آن آگاه نیستیم. این گروه که به سبب طرح عقاید مختلفی به چند شاخه قابل تقسیم هستند واقفیه - واقفه - نامیده شدند. این عنوان گرچه بر فرقه های دیگری با عقاید مشابه ایشان اطلاق شده ولی به نظر می رسد با توجه به گسترش کار ایشان و تداوم آن تا مدت قریب به یک قرن به عنوان مطلق واقفیه - هر گاه بدون قیدی خاص ذکر شده - اختصاص به این فرقه - یعنی واقفیه موسی بن جعفر علیه السلام - داشته است. (۴)

مدعیان ظهور در غیبت صغری

شریعی

اولین فردی که در عصر غیبت صغرا ادعای باییت نمود، فردی معروف به «شریعی» بود که خود را از اصحاب امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) می دانست. شریعی به خداوند و ائمه نسبت های ناروایی می داد. شیعیان با این عمل

مقابله کردند و او را لعن نمودند و ارتباط خویش را با او قطع کردند. از طرف حضرت صاحب‌الامر (عج) نیز توقیعی در لعن و دوری از او صادر گردید. (۵)

محمد بن نصیر النمری

شخص دیگری به نام دیگری به نام محمد بن نصیر النمری که ادعای شریعی را تکرار و البته وی که عقاید کفر آمیزی داشت ادعا کرد امام هادی خداست. شیخ طوسی در کتاب الغیبه خود در مورد النمری می نویسد:

چون آن حضرت وفات یافت، مدعی منصب محمد بن عثمان شد و گفت: نایب امام زمان (ع) من هستم، اما خداوند او را رسوا گردانید زیرا الحاد و نادانی وی آشکار گردید. محمد بن عثمان هم او را لعنت کرد و از وی دوری نمود و خود را از او پنهان نگاه داشت. نمری پس از شریعی به دروغ ادعای نیابت کرد (۶)

احمد بن هلال کرخی

او نیز از مدعیان وکالت بود و سفارت محمد بن عثمان را قبول نداشت و گفته بود: «من چیزی از امام درباره وی نشنیدم، اما درباره پدرش، عثمان شنیده‌ام اگر درباره او نیز یقین داشتیم، اطاعت می کردم، (۷) وی خود را نایب بعدی امام زمان بعد از عثمان می دانست.

ابوطاهر محمد بن علی بن بلالی

یکی دیگر از مخالفین نیابت محمد بن عثمان، ابوطاهر محمد بن علی بن بلالی، معروف به بلالی می باشد که اموال امام (علیه‌السلام) را تصرف نموده بود و از دادن آن به نایب دوم امتناع می نمود و ادعای وکالت از طرف امام زمان (علیه‌السلام) را داشت. (۸)

ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی

یکی از کسانی که در دوران نیابت حسین بن روح در جبهه مقابل او قرار گرفت، ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به «ابن ابی العزاقر» بود. وی از روستای شلمغانی است که از نواحی واسط می باشد (۹). وی اوایل فردی فاضل و عالم و یکی از نزدیکان و شاگردان حسین بن روح نوبختی بوده و حتی بر مبنای برخی از مستندات با امام زمان (عج) نیز ملاقات داشته است. ولی حسادت وی نسبت به «ابوالقاسم، حسین بن روح»، و دیدگاه انحرافی و غلوآمیزش موجب شد مذهب حق را ترک و داخل در مذاهب باطله و مردود شده و سخنان ناصحیح بر زبانش جاری شود و رفته رفته به غلو و کفر و ارتداد و قول به تناسخ و حلول الوهیت در خودش، گرائید. وی در نهایت به علت اعمال و رفتار شرک آمیز خود و طرفدارانش از طرف امام زمان (عج) مورد لعن قرار گرفت.

مکتب شیخیه

مکتب شیخیه در اوایل قرن سیزدهم به وسیله شیخ احد احسائی پدید آمدنمونه ای از جریانات انحرافی که در نهایت به شکل گیری بابیت و بهائیت انجامید. معتقد بود امام زمان (عج) با بدنی غیر عنصری و تنها هور قلیلی در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می کند. با بررسی اعتقادات این جریان گویای بطلان آن نزد علمای امامیه است. (۱۰) در حقیقت این یعنی اعتقاد به عدم حیات مادی امام زمان بر روی این زمین است. پس از شیخ احمد، سید کاظم رشتی به جانشینی وی رسیح. وی یکی از فتنه گران حادثه تخریب کربلا در زمان حمله وهابیت به این شهر مقدس بود. از نکات حائز اهمیت در مورد این حادثه حرم امن اعلام شدن بیت سید کاظم رشتی بوده در حالی که انتشار مطالب توهین آمیز علیه اهل سنت توسط فرقه شیخیه یکی از دلایل مهم هجوم وهابیان به کربلا بود.

فرقه بابیه

فرقه بابیه از دل شیخیه به وجود آمد، علی محمد شیرازی فردی در ارتباط با خاندان بزرگ تاجر یهودی ساسون ها بود وی در مکتب شیخ عابد که از شاگردان احسائی و رشتی بود به تحصیل پرداخت. علی محمد در حدود نوزده سالگی به کربلا رفت، در درس سید کاظم رشتی حاضر شد. (۱۱) پیشرفت علی محمد به گونه ای بود که وی پس از مدتی به جانشینی سید کاظم رسید. میرزا علی محمد شیرازی بعد از مدتی خود را باب امام زمان معرفی و خود را در حدیث انامدینه العلم و علی بابها از پیامبر اکرم علی بابها جعل می کند. اما پس از مدتی ادعای مهدی موعود دارد و اعلام می دارد مهدی وعده داده شده منم، اما علی محمد باب پا را فرتر می گذارد و ادعای نبوت کرد و بعدها حتی ادعای خدایی نیز کرد. لیکن سپس توبه کرد و ادعاهای خود را پس گرفت.



سید علی محمد باب

شیخ احمد احسائی

علی رغم توبه های فراوان باب طرفداران وی با پشتیبانی استکبار در نقاط مختلف کشور برپا کردند که سرانجام با حکم ناصرالدین شاه وامیرکبیر به اعدام محکوم شد.

پس از تیرباران باب، پیروانش که به «بابی» مشهور بودند بر طبق بیانات باب در کتاب بیان به دنبال مظهر ظهور بعدی که در این کتاب به «ظهور من یظهره الله» اشاره شده است، گشتند. آنها در ابتدا از میرزا یحیی نوری که باب به او لقب صبح ازل داده بود پیروی میکردند ولی پس از چندی در سال ۱۸۶۳ میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) که سمت معاونت برادرش را داشت از او برید و خود را من یظهرهالله معرفی کرد. دولت عثمانی هم از بیم جنگ میان دو فرقه میرزا یحیی و اتباعش را به قبرس و میرزا حسینعلی و یارانش را به عکا تبعید کرد. میرزا یحیی از آن پس فعالیت چندانی نشان نداد و فشار و تبلیغات بهائیان اندک اندک او و یارانش را به فراموشی افکند. اما حسینعلی که خود را بهاء الله می خواند به فعالیت شدیدی دست زد و بهائیت را پدید آورد. (۱۲)



متن توبه نامه سید علی محمد باب

بهاییت



میرزا حسنعلی نوری نیز ادعای باب رادنبال می کرد باب ششش مرتبه ادعایی خود را عوض کرد حسین محبوبی اردکانی در تعلیقاتش بر "المآثر و الآثار" می نویسد: "باب در ۱۲۶۰ ادعای ذکریت کرد یعنی که مفسر قرآن است. در ۱۲۶۱ ادعای بابیت کرد یعنی وسیله رابطه با امام زمان (ع) است. در ۱۲۶۲ ادعای مهدویت کرد یعنی امام زمان است. در ۱۲۶۳ ادعای نبوت کرد یعنی که پیغمبرم. در ۱۲۶۴ ادعای ربوبیت کرد یعنی که پروردگار عالمیانم. در ۱۲۶۵ ادعای الوهیت کرد. (۱۳) به طور مثال میرزا حسینعلی نوری به صورت جداگانه در صفحه دوپست و بیست و نه از کتاب مبین اظهار میدارد: لا اله الا انا المسجون الفرید. یعنی نیست خدایی بجز من زندانی تنه. (۱۴) در ۱۲۶۶ تمام دعاوی خود را منکر شد و توبه کرد و توبه نامه نزد ولیعهد فرستاد

بعد از ماجرای ترور ناموفق ناصرالدین شاه توسط بهاییان میرزا حسنعلی نوری زندانی می شود امام بعد از یکسال با وساطت سفارت روس و تلاش انگلستان یه ابتدا بغداد و سپس با توجه به مخالفت علما به استانبول تبعید می شود. قبر بهاء الله در سرزمین های فلسطین اشغالی و درعکا واقع شده بهاییان هم چنان با حمایت صهیونیسم و غرب به حیات خود در حیفا ادامه می دهد.

ردپای استعمار انگلیس و روسیه

اما نکته بسیار جالب در مورد این دو فرقه نقش استعمار وانگلیس در تشکیل آن است، استعمار جهانی که از ناحیه مکتب پویای شیعه احساس خطر می کردند توسط عوامل خود یعنی باب و بهاء الله سعی در ایجاد فتنه مذهبی در ایران را داشتند. مسلک بابیت که ریشه در دوره ضعف بعد از ترکمنچای داشت و نیز بهائیت که در دوره ناصری شکل گرفت، در واقع تلاشی در این راستا بود. (۱۵)

برابر سند موجود در بایگانی وزارت امور خارجه انگلیس، به تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۸۵۰ که یک مامورناشناس انگلیسی از تهران به لندن ارسال داشته چنین آمده است: "جناب لرد پالمستون بر حسب تعلیمات جناب لرد، اینجانب افتخاردارد شرحی درباره مسلک جدید "باب" را لفاً ارسال دارم. مطالب ضمیمه را یکی از پیروان باب به من داد و من تردیدی در صحت آن ندارم... در یک جمله، این (در شمار) ساده ترین مذاهب است که اصول آن در ماتریالیسم، کمونیسم و لاقیدی نسبت به خیر و شر کلیه اعمال بشر خلاصه می شود. افتخاردارم که منقادترین چاکر ناچیز باشم. امضاء ناخوانا" (۱۶)

در کتاب خاطرات دارلگورکی عامل جاسوسی و سفیر روس ها این گونه از رابطه با باب سخن به میان می آید:

(سیدعلی محمد) همیشه تردید داشت و می ترسید دعوی صاحب الامری بکند، به من می گفت که اسم من مهدی نیست، گفتم من نام تو را مهدی می گذارم. تو به طرف ایران حرکت کن. . . من به شما قول می دهم که چنان به تو کمک کنم که همه ایران به تو بگردند، تو فقط حال تردید و ترس را از خود دور کن. . . هر رطب و یابسی بگویی مردم زیر بار تو می روند، حتی اگر خواهر را به برادر حلال کنی. . . سید بی نهایت طالب شده بود که ادعایی بکند ولی جرأت نمی کرد. من برای اینکه به او جرأت بدهم به بغداد رفته، چند بطر شراب خوب شیراز یافتم و چند شبی به او خورادم. کم کم با هم محرم شدیم و به او. . . (مطالب) را حالی کردم. . . به هر وسیله ای بود رگ جاه طلبی او را پیدا کردم و او را به حدی تحریک کردم که کم کم دعوی این کار بر او آسان آمد. . . به سید گفتم از من پول دادن و از تو دعوی مبشری و باییت و صاحب الزمانی کردن. او را راضی کردم و به طرف بصره و از آنجا به طرف بوشهر رفت. . . در نامه هایی که به هم می نوشتیم او خود را نایب عصر و باب علم می خواند، من در جواب او را امام عصر می خواندم. . . همین که او رفت من در عتبات شهرت دادم که حضرت امام عصر ظهور نموده و همین سید شیرازی امام عصر بود و به حال ناشناس در سر درس آقای رشتی حاضر می شده. . . (۱۷)

معمد الدوله از سران بلند بالای قاجار و البته عامل استعمار روس به جای مبارزه با باب به تعریف و تمجید از وی پرداخت:

چنان آیات باب در وجودم تأثیر و کارگر افتاد که تاکنون به دیانت اسلام قلباً معتقد نبودم، با بیانات این جوان قلبم به اسلام متحول و متأثر شد و به تصدیق باطنی به آن معترف شدم (۱۸)

در حقیقت، دو دولت استعماری روس و انگلیس و دست‌هایی از عثمانی در پیدایش باییت نقش کامل داشته‌اند، چون آن‌چه از واقعیات خارجی اوضاع فعلی بهائیت و حمایت علنی استعمارگران از آن برمی‌آید، نتیجه‌ای غیر از این نمی‌تواند داشته باشد، مسیری که شیخیه طی نمودند، از این واقعیت پنهان خبر می‌دهد (۱۹)

شوقی افندی از رهبران بهائیت در مورد حمایت روس از بها این گونه شرح می‌دهند:

هنگامی که سوء قصد اتفاق افتاد، حضرت بهاء الله در لواسان تشریف داشتند و میهمان صدراعظم بودند. . . در زرگنده میرزا مجید، شوهر همشیره مبارک که در خدمت سفیر روس (پرنس و الگورکی) سمت منشی‌گری داشت، آن حضرت را ملاقات کرد و ایشان را به منزل خویش که متصل به خانه سفیر بود رهبری و دعوت نمود. آدمهای حاج علیخان حاجب الدوله چون از ورود آن حضرت باخبر شدند، موضوع را به مشارالیه اطلاع دادند و او مراتب را شخصا به عرض شاه رسانید. شاه از استماع این خبر غرق دریای تعجب و حیرت شد و معتمدین مخصوص به سفارت فرستاد تا او را که به دخالت در این حادثه متهم شده بود، تحویل گرفته نزد شاه بیاورند. سفیر روس از تسلیم بهاء الله امتناع ورزید و از هیکل مبارک تقاضا نمود که به خانه صدر اعظم تشریف بیاورند

ضمناً از مشار الیه به طور صریح و رسمی خواستار گردید امانتی که دولت روس به وی می‌سپارد در حفظ و حراست آن بکوشد (۲۰).

انجمن حجتیه



انجمن خیریه حجتیه را شیخ محمود حلبی در سال ۱۳۳۲ تاسیس کرد. این روحانی پس از شهریور ۱۳۲۰ به کارهای تبلیغی روی آورد و سخنران معروف و مشهوری به شمار می‌آمد در جریان نهضت ملی شدن نفت او به حمایت از نهضت و آیت‌ا. کاشانی پرداخت. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد سیاست را کنار گذاشت.

عمده فعالیت انجمن مبارزه با بهائان و برای عضویت در آن عدم مداخله در سیاست شرط اساسی به شمار می‌آمد. محور دیگر اقدامات انجمن حجتیه بر فعالیتهای تبلیغی درباره امام زمان (عج) تمرکز یافته بود که از طریق برگزاری مراسمات انجام می‌گرفت (۲۱).

انتظار منفی

انجمن حجتیه در باب مهدویت سعی در اشاعه مفهومی از انتظار داشت که خلاف رسالت شیعه برای آماده کردن فضای ظهور است به طور کلی این گروه عقیده ای به تشکیل حکومت اسلامی قبل از قیام مهدی (عج) نداشت این را می‌توان در آرا و اندیشه‌ها و کناره‌گیری آن‌ها در سیاست جستجو کرد نگاه این انجمن نسبت به ظهور چیزی نبود جز کناره‌گیری در برخورد با جامعه فاسد، البته به طور کلی میتوان عقیده حجتیه درباره نفی حکومت اسلامی به اعتقاد این انجمن در باره علایم ظهور یعنی اثر شیوع گناه و فحشا که مردم بدترین خلق خدا روی زمین می‌شوند و خداوند آنها را به سه بلا دچار می‌کند: جور سلطان، قحطی زمان و ستم حکام. مردم از هم بیزار و همدیگر را مورد لعن قرار داده و به روی هم آب دهان می‌اندازند و شهادت به کفر یکدیگر می‌دهند. گرانی، قحطی، زلزله‌های پیاپی، قتل و غارت، شیوع گناه و فساد و... جستجو کرد. (۲۲)

فعالیت انحرافی این انجمن در مسئله ظهور و حکومت اسلامی باعث تعطیلی آن مدتی پس از انقلاب شد. اما علی‌رغم تعطیلی این انجمن به صورت مخفیانه و غیرقانونی در حال تبلیغ، عضوایی در مناطق محروم است.

جریان انحرافی و انحراف در مسیر مهدویت

۱- ارتباط با امام زمان (عج)



رهبر جریان انحرافی در پی آن است که خود را نماینده امام زمان معرفی کند گرچه رهبر این جریان هیچگاه به طور مستقیم این ادعا را مطرح نکرده اما بارویکرد عملی و رفتاری این جریان وهم‌چنین با استناد به گفته‌های مشائی می‌توان به آن پی برد. استفاده مکرر ریس جمهور، مشایبه و اطراف‌فانش از الفاظی هم چون دولت‌ظهور، دولت کریمه، دولت یار، در مورد دولت دهم، مسائل غیبت حضرت حجت، نشان‌دهنده افکار انحرافی این جریان از موضوع مهدویت است جریان انحرافی در پی آن است که

با استفاده ابزاری از موضوع مهدویت علاوه برای تأمین مافع خود. با مطرح کردن مسئله‌ی باب امام زمان سعی در القای دوره ظهور طغری و مدعی نیابت مستقیم به واسطه ارتباط با آن حضرت دارد؛ کارکرد خطرناک رفتار این اشخاص این است که از این پس، فقها اعم از ولی فقیه که در امور سیاسی و اجتماعی تنها فردی است که ما باید از او تقلید کنیم و مراجع تقلیدی که در امور فردی و تربیتی به آن‌ها مراجعه می‌کنیم، دیگر مرجعیت ندارند. (۲۳) این مسئله را می‌توان در مورد ادغام سازمان حج، موضوع معاون اولی مشایبه، خانه نشینی ۱۱ روزه احمدی نژاد جستجو کرد

افراد منتسب به این تفکر در صدد جا انداختن افکار خود از طریق ابزارهای قدرت هستند تا از این طریق انقلاب اسلامی از قالب‌های اصلی تهی و دچار قالب‌های سلیقه‌ای شود (۲۴).

۲- توقیت

توقیت در اصطلاح به معنای مشخص کردن زمان و محدود نمودن آن برای یک شی می‌باشد (۲۵) و در اصطلاح به تعیین زمان ظهور حضرت حجت گفته می‌شود. عدم تعیین وقت وهم چنین طبق روایت از ائمه تعیین کنندگان وقت ظهور آقا دروغ گویند (۲۶) جریان انحرافی سعی دارد با اشاعه‌ای موضوع یعنی نزدیک بودن ظهور جهت تأیید و مشروع جلوه دادن اقدامات خود استفاده کند انتشار لوحه فشرده مستند ظهور نزدیک است از اقدامات این جریان بوده که با واکنش علما و متدینین روبرو شد

۳- تطبیق

تطبیق یعنی مطابقت دادن نشانه‌های ظهور بر هر وضعیت زمانه این معنا که عده‌ای با خواندنیا شنیدن چند روایت در علایم ظهور؛ آنها را افراد یا حوادث خاصی تطبیق دهند. (۲۷) جریان انحرافی در مسترغ ظهور نزدیک

است سعی بر آن داشت که با تطبیق شخصیت های هم چون شعیب بن صالح ، سید یمانی ، دجال و . و اشاره به بیداری اسلامی به عنوان نشانه ظهور و نشان دادن دیکتاتورها به عنوان دجال هم چون قذافی ، مبارک ، آل خلیفه و... سعی در القای یک سناریو تبلیغاتی برای استفاده از افراد به منظور تبلیغ و جذب عوام را دارد

۴- مستقل از روحانیت

از اظهارات رهبر این جریان در مورد مسائلی هم چون مدیریت انبیاء ، موعود ، دروه اسلام می توان به آن پی برد که مشایبه و اطرافیانش ضدیت کاملی با نهادهای روحانی در جامعه دارند و به طور کلی می توان ادعا کرد که مشایبه با این حرکت اعلام می کند که به مقام روحانیت اعتقاد ندارد. این فکر انحرافی مشخص می کند جریان انحرافی در حال اشاعه بی اعتمادی به نهادیست که سالهاست که پاسدار ارزش ها و احکام دینی در سطح جامعه و نقش زیادی در مبارزه با انحرافات در طول تاریخ را داشته این گروه ضدیت در روحانیت را در تامین فافع خود می داند و صراحتاً در راستای القای ناکارآمدی روحانیت در خصوص مسائل دینی به خصوص موزه مهدویت هستند.

۵- باستان گرایی و اعلام مکتب ایرانی

باستان گرایی را می توان از شاخصه های اصلی این جریان برشمرد. فرقه مشائیه در پی آن است تا با نا کارآمد نشان دادن ایران پس از دوره اسلام این گونه نشان دهد که لسلام سد محکمی برای ایرانی بودن و پیشرفت است . احیای نمادهایی هم چون کوروش ، انوشیروان ، و اعلام مکتب ایرانی به جای مکتب اسلام سرآغاز این حرکت بود . به اعتقادی بسیاری از کارشناسان این حرکت مشائی در راستای گسترش عقاید خود در بحث موعود و به چالش کشیدن جامعه منتظر در توجه به مهدویت . توجه قراردادن راهبرد به جای مذهب به ناسیونالیست می تواند به روشنی مواضع این جریان را در برابر قرآن و اسلام مشخص کند

مشایبه و بایبه

شاید بتوان گفت سریعترین اعتقادات باب در عصر حاضر را می توان در سخنان و عملکرد شخص اول جریان انحرافی جستجو کرد جریان انحرافی و بابیت از آن نظر به هم شباهت دارد که هردو ادعای بابیت امام زمان را دارند و سعی دارند با استفاده ابزاری از آن موضوع مهدویت را از مسی اصلی خارج کنند. می توان شباهت بابیت و بهابیت این گونه بر شمرد:

۱- جدایی از نهاد روحانیت و مبارزه با آن

۲- ارتباط با امام زمان

۳- طی کردن مسیری خارج از عرف دینی و مذهبی

۴- ترویج اباحه گری

۶- فقدان تئوری وایدئولوژی خاص

۷- مخالفت گسترده مردمی

بابی گری که مشایبه و طرفداران آن به دنبال آن هستند همان بابیت دوران ناصرالدین شاه است با این تفاوت که مشایبه و طرفدارانش بیش از بابیت و بهابیت دنبال پنهان کاری و ظاهر نمایست البته ناگفته نماند یکی از تفاوت های مهم باب و مشایبه حضور مشایبه در مسند قدرت است باین که باب و بهابیت ظاهرا توسط دولت تخت فشار بودند

خوشبختانه بابیه با درایت امی کبیر از صحنه تاریخ حذف شد آیا این سر گذشت در انتظار جریان انحرافی نیز خواهد بود؟

جریان انحرافی و فراماسونری

ایدئولوژی مکتب ایرانی بی شباهت به ماسون ها نیست این جریان صهبرهستی همواره در پی آن بوده تا در مسیر حرکت ادیان اخلاص ایجاد کرده و آن ها را از مسیر آنها خارج کرده ماسونها که از ناحیه ظهور امام عصر (عج) احساس خطر می کنند سعی داشته به وسیله عمال خود افکار انحرافی را در این زمینه وارد دین اسلام کنند شاید بتوان آخرین تلاش ماسونها را در قالب اشاعه مکتب به اصطلاح ایرانی یاد کرد.

علل حمایت فراماسونری از جریان انحرافی

در حال حاضر وبا وقوع بیداری اسلامی و قدرت یافتن ایران اسلامی در صحنه جهانی که حاصل تلاش رهبر معظم انقلاب و دولت احمدی نژاد در خصوص حضور در مجامع جهانی و سیاست خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران است.

مطمئنا الگو برداری کشور های اسلامی منطقه از جمهوری اسلامی به عنوان سردمدار انقلاب های منطقه منافع استکبار و ماسون ها را به خطر انداخته ظهور دولت های مبتنی بر اسلام سیاسی در کشور های منطقه و شکل گیری حکومت های دینی در این کشورها مطمئنا فضا را برای حضور فراماسونی تنگ می کند اما شاید دلیل اصلی حمایت فراماسونری جهانی از این فرقه انحرافی بحث نزدیک شدن ظهور حضرت حجت است. فراماسون ها که حیات خود را در نابودی و انحراف فرهنگ مهدویت و آرمان گرایی در بین هلمین می بیند سعی داشته توسط فرقه شوم مشایبه علاوه بر سرگردان کردن ملت در مسائل داخلی ، ایران را از فضای جهلی حکومت امام عصر (عج) دور کرده است.

مبانی فراماسونری در عقاید باند انحرافی

۱- استفاده ابزاری از دین

فراماسونها اعتقاد دارند که برای انحراف دین باید از قالب های دینی استفاده کرد آنها در ابتدا طی یک حرکت با قالب دینی وارد صحنه می شوند و طی حرکت خزنده خود در این قالب محتوای غیردینی می گنجانند. این یک حرکت کاملا التقاطی است که در گذشته در ایران انجام شده است. مثلا میرزا ملکم خان رسماً می گوید ما برای اینکه بتوانیم دین را از بین ببریم باید از قالب دین استفاده کنیم. (۲۸)

مشایی نیز علی رغم اعتقادات ضد دینی اش با پوشش دین مدارانه وارد مبارزه با دین شد این همان منش فراماسونریست فراماسونها پس از مدتی درگیری با گروههای مخالف، تصمیم گرفت به جای مخالفت با دین به تعریف و تمجید از آن پردازد ولی با تفسیر اومانستی ای که از دین به عمل می آورد ظاهرش را حفظ و باطنش را از معنی تهی کند (۲۹) این که مشایی بدون هیچ پشتوانه علمی تفسیر قرآن می کند یا در مورد مسائل دینی سریع اظهار نظر می کند چیز عجیبی نیست، زیرا در گذشته نیز بسیاری از فراماسونها تفسیرهای زیادی در مورد انجیل نوشته اند.

جریان انحرافی " در پوشش ادبیات مذهبی بر ترویج "مکتب ایرای" (قرائت ایرانی از تشیع) اصرار می ورزد شعارهای تبلیغاتی "جریان انحرافی" نه تنها یادآور نقطه آغازین فلسفه اومانستی و مشرب لیبرال سرمایه داری در غرب، بلکه تداعی گر یک گفتمان ناقص الخلقه ماسونی است. این فرقه نوظهور اگرچه نه خاستگاه اصیل فلسفی و نه پتانسیل عمیق اجتماعی دارد، اما نباید مواجهه انتقادی با آن را صرفاً به سطح یک جدال سیاسی تنزل داد و از خطر معرفتی آن برای "اسلام ناب محمدی" غفلت کرد. (۳۰)

۲- اومانیسیم

انسان گرایی را نیز می توان یکی دیگر شاخه های جریان انحرافی بر شمرد که در رفتار رهبران این جریان به وضوح مشخص است اگر کمی به سخنرانی های مشایی، بقایی، شریف زاده و.. توجه کنیم به کرار استفاده از کلمه انسان در موضوعات دینی و اجتماعی دیده میشود؛ این سخن مشایی می توان به وضوح در سخنرانی وی در نشست مرکز جهانی شدن دید جایی که می گوید در امروز زمان تفرق بنی آدم به پایان رسیده و وقت آن است تا خانواده بزرگ جهانی به اعتبار نزدیک شدن انسان ها به واسطه بزرگ شدن دایره وجودی آنها تشکیل شود؛ نباید ظرفیت زیبا و ارزشمند کوچک شدن جهان در برابر بزرگی انسان نادیده گرفته شود. (۳۱) و یادار میان جمعیت و عاظ می گوید: قیمت گذاشتن روی انسان قیمت گذاشتن روی خداست ریشه سخنان انسان گرایانه

مشایبه را می توان در اندیشه بسیاری از ماسونها هم چون «جی.دی.باک» در کتاب خود با عنوان فراماسونری رمزی این حقیقت را چنین بیان می کند

فراماسونری تنها بشر را به عنوان خدا می پذیرد... بنابراین بشر تنها خدای ماست (۳۲) ویا میرلاندو در کتاب خود می نویسد جوامع اولیه ضعیف بودند و به دلیل این ضعف، قدرت ها و پدیده های اطراف خود را خدا قلمداد می کردند اما فراماسونری تنها انسان را خدا می داند (۳۳) این نمونه ای کامل از دیدگاه انسان گرایی فراماسونهاست که نظیر متاسفانه حتی در کلام ریس جمهور در نمایشگاه کتاب هم مشاهده آن بودیم از این موضوع نمی توان به راحتی گذشت به خصوص در مورد بیداری اسلامی که جریان انحرافی از آن به تعبیر بیداری انسانی یاد می کند مطمئنا انسان گرایی در ملت ها سد نفوذ خدا محوری در جامعه است این شاخص یعنی اومانیزم به طور قطع یکی از مبانی فراماسونی برای تسلط بر جامعه بشریست.

۳- تساهل و تسامح

تساهل و تسامح در مسائل دینی یکی از مبانی و اعتقادات فراماسونها برای پا کردن دین از دل جوامع است. فراماسونها برای رسیدن اهداف پلیدشان در کشورهای اسلامی بارها از این حربه استفاده کرده اند. تساهل و تسامح بارها در امور دینی در نیت جریان انحرافی مشاهده است عملکرد دولت در قبال حجاب و عفاف، نظرات مشایبه و همکاران در مورد پیامبران را می توان نمونه های کاملی از این موضوع عنوان کرد.

۴- ناسیونالیسم

ناسیونالیسم یا همان ملی گرایی نسخه ای ست از تصرف ماسون ها برای تسلط بر ملت ها جریان فراماسونری ابتدا بر ارزش های ملی گرایانه آب و خاک و خون و نژاد و باستان گرایی تاکید می ورزد ولی در این مرحله توقف نمی کند؛ زیرا هدف آن ها بسی بالاتر از ناسیونالیسم و ملی گرایی کشوری و منطقه ای است و چه بسا در دراز مدت همین ملی گرایی افراطی محلی و منطقه ای نیز موی دماغ آن ها گردد (۳۴). از این رو با طرح تفسیر جدیدی از ناسیونالیسم سعی می کنند آن را به میدانی سوق دهند که با فرهنگ پذیری غربی و ذوب شدن در فرهنگ واحد جهانی که همان فرهنگ فراماسونری و به عبارت دیگر همان اومانیزم و انسان گرایی به جای خداگرایی است سازگار باشد

توجه افراط گونه به گذشته ایران پیش از اسلام نظیر تکریم کوروش و ادعای توحید ایرانی که نوعی التقاط از طرف جریان انحرافیست و ارائه تصویری از ایران مطابق با دوره پیش از اسلام و در نهایت اعلام مکتب ایرانی

فرآیندی بود توسط مشایی و همکاران برای مبارزه با مکتب اسلام ناب محمدی (ص) که هدف اصلی صهیونیست و فرامسوزی جهانیست.



عکس سمت راست نشان دهنده لیلا زند عضو لابی نایاک در کنار سخنگوی وزارت خارجه آمریکا و چپ در کنار اسفندیار رحیم مشایی

رابطه عجیب مدعی رابطه امام زمان با عنصر جاسوسی بیگانه

پلورالیسم در لغت به معنای کثرت گرایی یا کثرت باوری است. پلورالیسم رویکردهای متعددی دارد. رویکرد فلسفی آن در مقابل مونیسیم قرار دارد و مخالف بینش وحدانی در حوزه معرفت شناختی می باشد. در رویکرد سیاسی آن فدرالیسم تأیید و تقویت می شود و تکثر قدرت، شرط تحقق آزادی به حساب می آید (۳۵)

در پرتو اندیشه پلورالیسم سیاسی و پلورالیسم دینی بود که توانستند در جوامع اروپایی و مسیحی مورد پذیرش و حمایت واقع شوند. درستی این گمانه آن گاه نمودارتر می شود که ما موضع تکثرگرایان و پلورالیستی جریانهای وابسته به یهودیت، همچون فراماسونری را در نظر بگیریم، و از دیگر سو حساب صهیونیسم و یهودیت سیاسی را با یهودیت مذهبی که طرفدار انحصارگرایی و خودممتاز بینی نژادی و دینی هستند، جدا بشماریم (۳۶) نگاهی به رویکرد مشایی و همکارانش گرایش تکثر گرایانه و لیبرالیسم آنبه خصوص در ارائه توحید ایرانی و پایان پذیرفتن دور اسلام مشخص است اعتقاد مشایی به احد بودن دین در نزد بشریت وعدم برتری ادیان نسبت به هم دیگر مصداق این موضوع است

واما آینده پیش رو

تا بدین جا باید اذعان داشت که خطر جریان انحرافی بسیار زیاد است اگر بابیه توانست اوضاع مذهبی کشور را مشوش کند اما دولت مرکزی در برابر او ایستاد اگر حجتیه افکار منفی در مورد مهدویت را در جامعه منشر کرد اما به دلیل یکی از اصول مهمش یعنی عدم دخالت در سیاست نقشی در حکومت و تصاحب قدرت نداشت اما جریان انحرافی هم در مسند قدرت است هم دستی در مذهب دارد به همین دلیل شاید بتوان گفت که خطر

آن برای دین از خطر حجتیه و بایبیه و حتی اصلاحات ه بیشتر است در مورد آینده جریان انحرافی سه سناریو مطرح است:

- ۱- جریان انحرافی بتواند مدت زیادی در جامعه حکمفرما شود و بتواند انقلاب اسلامی را با چالش روبه رو سازد
- ۲- جریان انحرافی بعد از اتمام دوره دهم ریاست جمهوری کنار رود اما عقاید انحرافی آن در جامعه برای مدت طولانی باقی بماند
- ۳- جریان انحرافی روبه افول واقع شود و در نهایت منجر به شکست و نابودی کامل آن گردد

محو این جریان میسر نمی شود مگر با همکاری مشترک نهادهای امنیتی، سیاسی و مذهبی. لازمه ی آن تلاش گسترده وزارت اطلاعات در خنثی کردن فتنه ها و همت بلند حوزه و دانشگاه برای مقابله با افکار شیطانی این فرقه ضاله

امروزه تشکل های وابسته به جریان انحرافی با رانت دولتی سعی در نفوذ و یارگیری در دانشگاهها را دارند. مطمئنا دانشگاهیان کشور باید با همراهی و همکاری مستمر با نهاد روحانیت سعی در چالش زدایی در موضوع فوق بوده؛ زیرا مطمئن تحرکات جریان انحرافی می تواند اهداف امنیتی نظام به خصوص در مسائل فرهنگی و اجتماعی کشور را به خطر بیندازد.

راهکارهای مقابله با جریان انحرافی

- ۱- تقویت بنیان های تشیع در دانشگاهها و حوزه ها
 - ۲- پیوند بیش از پیش حوزه و دانشگاه
 - ۳- روشنگری در مقابله این جریان
 - ۴- اشراف و برآورد اطلاعاتی از موقعیت جریان انحرافی
 - ۵- جدا کردن بدنه کارای دولت از جریان انحرافی
 - ۶- تبیین جایگاه روحانیت در مقابله با انحرافات در طول تاریخ
- نکته خوش بینانه در مورد برخورد با این جریان، هوشیاری کامل دستگاه اطلاعاتی بالخصوص حجت الاسلام والمسلمین حیدر صالحی وزیر اطلاعات است که توانسته به طور کامل تحرکات جریان انحرافی را رصد و کنترل نماید.

منابع

- ۱- شیرازی . سلطان الواعظین ، شبهای پیشاور، ص ۸۰
- ۲- ابن هیثم، جعفر بن احمد بن محمد، المناظرات، ص ۳۶
- ۳- دفتری ؛ فرهاد ،تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۶۲
- ۴- http://www.shareh.com/persian/magazine/tarikh_i/23/03.htm
- ۵- <http://imamalmahdi.com/main/far/news.php?extend.1494>
- ۶- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۳۹۸
- ۷- طوسی، محمد بن حسن: الفهرست، ص ۲۴۵
- ۸- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۴۰۰
- ۹- عوفی ، محمد، اللباب، ج ۲، ص ۲۰۶
- ۱۰- میر تبار، سید محمد، جامعه ی منتظر چالش ها و آسیب ها، ص ۲۳ و ۲۴
- ۱۱- فاضل مازندرانی، ظهور الحق، ج ۳، ص ۹۷
- ۱۲- سجادی، صادق؛ بابیه، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۰۵
- ۱۳- افشار ، ایرج ،المآثر و الاثار، ج ۲، ص ۶۲۹
- ۱۴- نوری ، حسینعلی، المبین، ص ۲۲۹
- ۱۵- رهدار، احمد، جریان های شبه مذهبی در ایران پس از صفویه (مجله نگاه حوزه - ۱۱ خرداد ۱۳۸۷، ش ۲۳۲)، ص ۱۴
- ۱۶- رایین اسماعیل، حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، ص ۱۱۲
- ۱۷- مرعشی، سید ابوالقاسم خاطرات پرنس دالگورکی ، ص ۳۵
- ۱۸- <http://www.imamalmahdi.com/html/far/html/20/43.php>
- ۱۹- <http://www.imamalmahdi.com/html/far/html/20/43.php>

۲۰- افندی، شوقی، قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۵

۲۱- مظفری، آیت، جریان شناسی سیاسی ایران معاصروص ۷۱

۲۲- <http://www.porseman.org/q/show.aspx?id=131182>

۲۳- <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=994>

۲۴- گفتگو خبر گزاری فارس با حجت الاسلام جمشیدی

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=9003071361>

۲۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۷

۲۶- ر.ک: غیبت نعمانی ص ۱۵۹، کافی ج ۱، ص ۳۶۸

۲۷- میرتبار، سید محمد، جامعه منظر چالش ها و آسیب ها، ص ۳۷ و ۳۸

۲۸- www.yalesarat.com/vdcb.gbaurhb0giupr.htmlPuhverdatud

۲۹- <http://www.tebyan.net/mobile.aspx?pid=164211>

۳۰- هفته نامه ۹ دی، ۲۷ فروردین ۱۳۸۹، شماره ۱۲، صفحه ۳ و ۶

<http://www.9day.ir/article/255>

۳۱- سخنرانی مشایبه در نشست مشترک مرکز ملی جهانی شدن بهنقل از پایگاه اطلاع رسانی دولت

<http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=9&Id=217406>

J. D. Buck, Mystic Masonry, page 21۳۲

Selamet Mahfilinde Uc Konferans (Three Conferences in Safety Society), page 51

۳۴- روانبخش، قاسم، نشانه های تفکر فرامسونری در جریان انحرافی، سایت قبس، به نقل از وبلاگ قاسم

روانبخش

۳۵- علی بابائی، غلامرضا؛ فرهنگ سیاسی، ص ۱۶۳

۳۶- لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرایی دینی، ص ۳۲